

مکاشفه عیسی مسیح - شماره پنج

اشعیا چهل: تسلی دهید، تسلی دهید

Jeff Pippenger

2023-10-25

در هفده آیه نخست فصل چهل اشعیا، صد و چهل و چهار هزار نفر به طور پیشگویانه در پایان سه روز و نیم قرار گرفته‌اند؛ جایی که آنان، در حالی که جهان شادی می‌کرد، مرده در خیابان‌ها افتاده بودند. همه پیامبران با یکدیگر هم‌نظرند و رویدادهای نبوی‌ای که بیان می‌کنند همواره با دیگر پیامبران هم‌راستا هستند، زیرا خدا پدیدآورنده آشفتگی نیست.

و ارواح انبیا مطیع انبیا هستند. زیرا خدا خدای آشفتگی نیست، بلکه خدای سلامتی است، چنان‌که در همه کلیساهای مقدسان است. اول قرنتیان ۱۴:۳۲، ۳۳.

تسلی‌دهنده‌ای که عیسی وعده داده بود در غیابش بفرستد، در خود نخستین کلمات نخستین آیه از بیست‌وشش فصلی که روایت نهایی نبوی اشعیا را شکل می‌دهند، جای گرفته است. «تسلی دهید، تسلی دهید قوم مرا، می‌گوید خدای شما.» قاعده ذکر نخستین تأکید می‌کند که بیست‌وشش فصل پس از آن باید با ارجاع به تحقق کامل و نهایی آمدن تسلی‌دهنده فهمیده شود.

و من از پدر خواهم خواست و او تسلی‌دهنده‌ای دیگر به شما خواهد داد تا آن تسلی‌دهنده تا به ابد با شما بماند... اما آن تسلی‌دهنده که روح‌القدس است و پدر او را به نام من خواهد فرستاد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و هرآنچه به شما گفته‌ام به یادتان خواهد آورد. یوحنا ۱۴:۱۶، ۲۶.

ندای نیمه‌شب تاریخ میلری‌ها در تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار نفر تکرار می‌شود.

جهانی هست که در شرارت، در فریب و گمراهی، در خود سایه مرگ آرمیده است—خفته، خفته. چه کسانی درد جان می‌کشند تا آنان را بیدار کنند؟ کدام صدا می‌تواند به آنان برسد؟ فکر به آینده برده شد، وقتی که ندا داده خواهد شد: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون بروید.» اما بعضی در تهیه روغن برای پر کردن دوباره چراغ‌هایشان درنگ کرده‌اند، و دیر هنگام خواهند دریافت که منش، که روغن نماینده آن است، قابل انتقال نیست. ریویو اند هرالد، ۱۱ فوریه ۱۸۹۶.

این پرسش مطرح می‌شود: «کدام صدا می‌تواند» کسانی را که «خوابند» «بیدار کند»؟ «صدایی» که آنان را در اشعیا باب چهل بیدار می‌کند، همان «صدایی» است که در «بیابان» «فریاد می‌زند».

با مهربانی با اورشلیم سخن بگویید، و به او ندا دهید که جنگش به پایان رسیده، که گنااهش آمرزیده شده است؛ زیرا از دست خداوند در برابر همه گناهایش دو چندان دریافت کرده است. "صدای" کسی که در بیابان "فریاد می‌زند" ... اشعیا 40:2، 3.

پیام فریاد نیمه‌شب نیز همان پیام باران پسین است.

شما آمدن خداوند را بیش از حد دور می‌انگارید. من دیدم که باران آخر [به همان ناگهانی که] فریاد نیمه‌شب، و با ده برابر قدرت می‌آید. اسپالدینگ و مگن، ۵.

یکی از نمادهای فراوانی که در کلام خدا یافت می‌شود و نمایانگر پیام باران پسین است، نمادی است که با تکرار دوباره کلمات یا عبارات شناخته می‌شود. این تکرار دوباره کلمات یا عبارات، نمادی از فریاد نیمه‌شب، یا همان پیام باران پسین در ایام آخر است. نمادپردازی تکرار «تسلی دهید»، آغاز فصل چهل

اشعیا را در زمان تأخیر قرار می‌دهد؛ زمانی که پیامی که در مثل ده باکره به صورت فریاد نیمه‌شب نمایانده شده، باید شناخته و سپس اعلام شود. در آن زمان، مسیح تسلی‌دهنده را می‌فرستد تا باکره‌های خفته را بیدار کند؛ کسانی که از نظر نبوی خفته ترسیم شده‌اند، و در برخی مقاطع نبوی، خوابشان خواب مرگ توصیف شده است. آیه نخست اشعیا ۴۰، از نظر نبوی سه‌ونیم روز نمادین «پس از» ناکامی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ قرار می‌گیرد، زیرا همان زمان است که تسلی‌دهنده فرستاده می‌شود تا خفتگان را بیدار سازد. سه‌ونیم روز نماد بیابان است، و همان‌جاست که «صدا» آغاز به «ندا دادن» می‌کند.

مکاشفه یازده، حزقیال سی‌وهفت، متی بیست‌وپنج، و تاریخ میلریتی‌ها (به‌همراه همان نشانه‌های راه تاریخ میلریتی که در هر جنبش اصلاحی رخ می‌دهد)، در کنار هم «فرایند مشخصی» را برای بیدار کردن دوشیزگان خفته مشخص می‌کنند. این فرایند با به خواب رفتن دوشیزگان در هنگام سرخوردگی آغاز می‌شود. دوره تأخیری که در هنگام سرخوردگی آغاز شد، نهایتاً به‌عنوان دوره تأخیر شناخته می‌شود. بخش پایانی دوره تأخیر، تکوین پیام فریاد نیمه‌شب است. وقتی این پیام استقرار یافت، سپس اعلام می‌شود تا به نقطه اوج خود، یعنی داوری، برسد.

فرستاده‌ای که در کتاب اشعیا به‌عنوان «صدا» معرفی شده بود، پرسید پیامی که باید اعلام شود چیست. به او به زبان نمادین گفته شد که پیام اسلام را ارائه کند. پیام نبوی اسلام را نمی‌توان از قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع جدا کرد، زیرا اسلام در زمره قدرت‌های شیپور است و هفت شیپور مکاشفه نمایانگر داوری خدا بر قدرت‌هایی‌اند که قوانین یکشنبه را وضع می‌کنند. آن قدرت‌ها عبارت بودند از: روم بت‌پرست در سال ۳۲۱، که نماد اژدهاست؛ روم پاپی در سال ۵۳۸، که نماد وحش است؛ و قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی در ایالات متحده خواهد آمد، که نماد نبی کاذب است.

در ارتباط با تعیین این‌که پیام آن «صدا» که در بیابان فریاد می‌زد چه بود و چه می‌بایست اعلام کند، وعده‌ای نیز مطرح بود مبنی بر این‌که کلام خدا هرگز ناکام نمی‌شود. «وعده و اطمینان» اینکه کلام خدا هرگز ناکام نمی‌شود، در همان زمینه نبوی آمده است که در کتاب حبقوق، باب دوم، آیه سوم، چنین بیان شده است: «در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ هرچند تأخیر کند، منتظرش باش، زیرا یقیناً خواهد آمد، تأخیر نخواهد کرد.» پیام اسلام هرگز ناکام نخواهد شد؛ بی‌تردید خواهد آمد. آخرین آیه باب چهارم کتاب اشعیا خطاب به کسانی است که در کتاب حبقوق منتظر رؤیا هستند.

اما آنان که منتظر خداوند می‌مانند، نیروی خود را تازه خواهند کرد؛ با بال‌ها چون عقابان اوج خواهند گرفت؛ خواهند دوید و خسته نخواهند شد؛ راه خواهند رفت و درمانده نخواهند شد. اشعیا ۴۰:۳۱.

«تاریخ پنهان» هفت رعد» که اکنون مهر آن گشوده می‌شود، سه نشان‌راه را مشخص می‌کند که با ناامیدی آغاز و پایان می‌یابند. در آن تاریخ نمادین، سه نشان‌راه وجود دارد که دو دوره زمانی آن‌ها را از هم جدا می‌کند. یک ناامیدی آغازگر زمان درنگ است. زمان درنگ به پیام تصحیح‌شده و پیشگویی فریاد نیمه‌شب می‌انجامد. پیام فریاد نیمه‌شب دوره‌ای از اعلام پیام فریاد نیمه‌شب را آغاز می‌کند که به ناامیدی دوم می‌انجامد؛ ناامیدی‌ای که به‌صورت داوری بازنمایی می‌شود. آن سه گام که با دو دوره زمانی از هم جدا شده‌اند، آلفا و امگا را نمایندگی می‌کنند، آن‌گونه که در واژه عبری «حقیقت» پدید آمده است.»

در حزقیال سی‌وهفت، حزقیال همچنین نمایانگر «صدای» اشعیا چهل است. «صدا» در اشعیا چهل می‌پرسد: «چه ندا کنم؟» سپس «صدا» در حزقیال سی‌وهفت، آیه هفت، «چنان‌که به او فرمان داده شده بود» «نبوت کرد».

پس چنان که مأمور شده بودم، نبوت کردم؛ و چون نبوت می‌کردم، صدایی برخاست و ناگاه لرزشی پدید آمد، و استخوان‌ها، استخوان به استخوان خود، به هم آمدند. و چون نگرستم، اینک پی‌ها و گوشت بر آنها رویید و پوست بر آنها کشیده شد؛ اما روحی در آنها نبود. حزقیال ۷: ۳۷، ۸.

نبوت نخست حزقیال استخوان‌ها و گوشت را کنار هم آورد، اما هنوز زنده نشده بودند. پس حزقیال، «چنان‌که به او فرمان داده شده بود»، بار دیگر نبوت کرد. نبوت دوم به بدن‌ها جان بخشید. آفرینش آدم نمونه‌ای برای این دو نبوت است.

و خداوند خدا انسان را از خاک زمین سرشت و در بینی او دم حیات دمید؛ و انسان موجودی زنده شد. پیدایش ۲: ۷

فرایند دو مرحله‌ای زنده کردن استخوان‌های خشک مرده نخست در آفرینش آدم ذکر شده است و بدین‌سان تأکید می‌کند که کلام نبوی خدا نیز قدرتِ خلاقه اوست. خدا نخست آدم را «سرشت»، و نخستین نبوت حزقیال استخوان‌ها و بدن‌ها را به هم پیوست؛ سپس خدا «در بینی او نفخه حیات دمید و انسان به نفس زنده بدل شد».

نبوت دوم حزقیال خطاب به «باد» بود، نه به استخوان‌ها، زیرا به او گفته شده بود که «به باد بگو»: «از چهار باد بیا، ای نَفَس، و بر این کشتگان بدم تا زنده شوند.» نبوت دوم حزقیال که اجساد مردگان را چون سپاهی عظیم زنده می‌کند، متوجه اجساد نبود، بلکه متوجه باد بود. این فرمانی به باد بود تا بر بدن‌ها بدمد. نخستین باری که واژه «نَفَس» در کلام خدا ذکر می‌شود، در آفرینش آدم است و در آنجا به‌عنوان «نَفَس حیات» تعریف می‌شود؛ و آنچه به بدن‌های مرده زندگی می‌بخشد، از چهار باد می‌آید.

فرشتگان چهار باد را مهار کرده‌اند؛ این چهار باد به صورت اسبی خشمگین به تصویر کشیده شده که در صدد است از بند رها شود و بر سراسر چهره زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ را به همراه می‌آورد.

«آیا در آستانه جهان ابدی به خواب رویم؟ آیا کسل و سرد و مرده باشیم؟ آه، ای کاش در کلیساهای مان روح و دم خدا در قوم او دمیده شود تا بر پاهای خود بایستند و زنده شوند.»
انتشارات دست‌نوشته‌ها، جلد ۲۰، صفحه ۲۱۷.

دو پرسش در اینجا این است: آیا خواهیم خوابید، و آیا خواهیم مرد؟ ... دو اصطلاح برای همان وضعیت نبوی. پیام چهار باد، که به دست فرشتگان مهار می‌شوند، همان پیامی است که نفس خدا را در مردگان وارد می‌کند و آنان را برپا داشته و زنده می‌سازد. پیام چهار باد، پیام اسب خشمگین اسلام است. پیام چهار باد در کتاب مکاشفه، پیام مهرگذاری است. پیام مهرگذاری مکاشفه باب هفت، آیات یک تا سه، پیامی است که مشخص می‌کند چهار باد مهار می‌شوند تا زمانی که خادمان خدا مهر شوند.

و پس از اینها دیدم که چهار فرشته بر چهار گوشه زمین ایستاده بودند و چهار باد زمین را نگه می‌داشتند تا مبادا بادی بر زمین یا بر دریا یا بر هیچ درختی بوزد. و فرشته دیگری دیدم که از مشرق بالا می‌آمد و مهر خدای زنده را داشت؛ و با آواز بلند به آن چهار فرشته‌ای که به آنان داده شده بود به زمین و دریا آسیب برسانند، ندا داد و گفت: «نه به زمین و نه به دریا و نه به درختان آسیب نرسانید تا زمانی که بندگان خدای خود را بر پیشانی‌هایشان مهر کنیم.» مکاشفه ۱: ۷-۳

نبوت دوم حزقیال خطاب به باد بود، و حیاتی که باد به بدن‌ها رسانید، از پیام چهار باد می‌آمد. در آیات هشت تا ده حزقیال سی‌وهفت، واژه‌ای که گاه به صورت «باد» و گاه به صورت «دم» می‌آید، در همه موارد همان واژه عبری است. خدا در آدم دم حیات دمید، و در حزقیال دم حیات همان پیام مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است که از چهار باد می‌آید. آن پیام نیروی آفرینندگی خدا را به بدن‌هایی

می‌رساند که به واسطهٔ پیام نخست در درهٔ مرگ گرد هم آورده شده‌اند. پیام چهار باد، پیام اسلام است که به‌خاطر قانون یکشنبه داوری را بر ایالات متحده می‌آورد. این همان پیام فریاد نیمه‌شب است.

تاریخچه پنهان هفت رعد با نامیدی‌ای آغاز می‌شود که آغازگر زمان درنگ است. در مکاشفهٔ یازده، هنگامی که دو نبی در ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ کشته شدند، زمان درنگ آغاز شد. حزقیال در میان مردگان بود، وقتی که خداوند از حزقیال پرسید آیا دو شاهدی که در خیابان مرده‌اند می‌توانند زنده شوند.

دست خداوند بر من بود و مرا در روح خداوند بیرون برد و در میان وادی‌ای که پر از استخوان بود نشانید، و مرا از گرد آنها گذرانید؛ و اینک، در آن وادی باز، استخوان‌ها فراوان بودند، و اینک، بسیار خشکیده بودند. و به من گفت: ای پسر انسان، آیا این استخوان‌ها می‌توانند زنده شوند؟ و من پاسخ دادم: ای خداوند خدا، تو می‌دانی. حزقیال ۱:۳۷-۳.

در آیهٔ هفتم، وقتی حزقیال نخستین دو نبوت را اعلام می‌کند، پیام ساده این بود: «ای استخوان‌های خشک، کلام خداوند را بشنوید.» یوحنا در مکاشفه می‌نویسد: «خوشا به حال آنان که سخنان نبوت این کتاب را می‌شنوند.» حزقیال، استخوان‌های خشک و مرده را چنین معرفی می‌کند که برکت‌یافتگان همان کسانی‌اند که فرمان او را برای شنیدن کلام خداوند می‌شنوند؛ و کلام او حقیقت است. در فصل دوم حزقیال، تجربهٔ کسانی که کلام خدا را می‌شنوند توصیف شده است.

و به من گفت: ای پسر انسان، بر پاهای خود بایست، و با تو سخن خواهم گفت. و هنگامی که با من سخن گفت، روح در من درآمد و مرا بر پاهایم برپا داشت، تا او را که با من سخن می‌گفت، بشنوم. حزقیال ۱:۲، ۲.

در مکاشفه، باب یازدهم، وقتی اجساد مرده کلام خداوند را می‌شنوند، تسلی‌دهنده به درون آنان وارد می‌شود و آنان بر پاهای خود می‌ایستند. این تسلی‌دهنده است که آنان را برپا می‌دارد.

و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در ایشان وارد شد و ایشان بر پاهای خود ایستادند؛ و ترسی عظیم بر کسانی که ایشان را دیدند فرو افتاد. مکاشفه ۱۱:۱۱.

قیام مردگان گام نخست از یک فرایند دو مرحله‌ای است که آنان را از گورها بیرون می‌آورد تا به بیرقی بدل شوند که در داوری قانون یکشنبه برافراشته می‌شود. وقتی آنان در باب یازدهم می‌ایستند، "ترس عظیم" بر کسانی که ایشان را می‌بینند مستولی می‌شود.

و او از بیم به دژ استوار خود پناه خواهد برد، و سرورانش از پرچم خواهند ترسید، فرماید خداوند، که آتشش در صهیون است و کوره‌اش در اورشليم. اشعیا ۳۱:۹.

پیام فریاد نیمه‌شب در تاریخ جنبش پیروان میلر، بخش دوم پیام فرشتهٔ دوم بود. پیام فرشتهٔ دوم باعث شد پیروان میلر از کلیساهایی جدا شوند که در آن زمان به‌عنوان «دختران بابل» شناخته می‌شدند، و وفاداران فراخوانده شدند تا بیرون آمده و در کنار پیروان میلر بایستند. آن پیام یک «جماعت» از ایمانداران پدید آورد، و سپس گام دوم، پیام فریاد نیمه‌شب بود که به پیام دوم ملحق شد و بر آن قدرت افزود. آنگاه پیروان میلر به ارتشی نیرومند بدل شدند که پیام را همچون موج مدی عظیم در سراسر سرزمین بردند. آن فرایند دو مرحله‌ای همان دو ندا در مکاشفهٔ هجده است، و همان فرایند رستاخیز استخوان‌های خشک مرده در کتاب حزقیال است که در خیابان مکاشفهٔ یازده کشته شده بودند.

فرشتگانی فرستاده شدند تا به یاری آن فرشتهٔ نیرومند که از آسمان بود بشتابند، و من صداهایی شنیدم که گویی از همه‌جا طنین می‌انداختند: «از او بیرون آید، ای قوم من، تا شریک گناهان او

نشوید و از بلایای او نصیبی نگیرید؛ زیرا گناهان او به آسمان رسیده است و خدا بی‌عدالتی‌های او را به یاد آورده است.» این پیام چنان می‌نمود که افزوده‌ای بر پیام سوم باشد و به آن پیوست، چنان‌که فریاد نیمه‌شب در سال ۱۸۴۴ به پیام فرشته دوم پیوست. عطایای روحانی، جلد ۱، ۱۹۵، ۱۹۶.

نخستین نشانه‌ی راه در تاریخ پنهان هفت تندر، همان نومیدی‌ای است که زمان انتظار را آغاز می‌کند. زمان انتظار دوره‌ای از زمان است که به صورت سه روز و نیم نمایانده می‌شود، که نمادی از بیابان است. در پایان چهل سال سرگردانی در بیابان، یوشع سپاهی نیرومند را به سرزمین موعود رهبری کرد. در پایان سه روز و نیم، حزقیال به دره مرگ برده می‌شود و به او گفته می‌شود که به اجساد مرده فرمان دهد که «کلام خداوند را بشنوید». حزقیال «صدایی» است که در بیابان فریاد می‌زند. فرمان شنیدن کلام خداوند اجزای بدن‌ها را گرد هم می‌آورد، اما آنان هنوز زنده نشده‌اند، هنوز سپاه نشده‌اند، هنوز مهر نشده‌اند. «کلام خداوند» که در فصل دوم توسط حزقیال بیان می‌شود، نشان می‌دهد که وقتی «تسلی‌دهنده» می‌رسد، قوم خدا می‌ایستند و همزمان کلام خداوند را می‌شنوند. مسیح وعده داد که سه روز و نیم پس از آن‌که آنان در خیابان به قتل رسیدند، «تسلی‌دهنده» را خواهد فرستاد.

به محض برپا شدن، به پیکرهایی که «هنوز زنده نیستند» نبوت دوم داده خواهد شد. «صدایی که در بیابان فریاد می‌زند» در اشعیا می‌پرسد نبوتی که باید فریاد کند چیست؟ پیامی که هم به حزقیال و هم به آن «صدا» در اشعیا باب چهل فرمان داده شده است که ارائه کنند، پیام اسلام است. وقتی آن نبوت ابلاغ شود، «آدم» همچون لشکری نیرومند به حیات درمی‌آید. سپس دو شاهد زنده پیام داوری اسلام بر ایالات متحده را اعلام می‌کنند، به سبب تصویب قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد. داوری قانون یکشنبه سومین نشانه‌ی راه تاریخ پنهان هفت رعد است. وقتی تحقق یابد، آن لشکر همچون پرچمی به آسمان برافراشته می‌شود و در مکاشفه باب چهارده به تصویر کشیده می‌شود.

من در پیام‌های فرشتگان اول، دوم و سوم تجربه داشته‌ام. فرشتگان چنان به تصویر کشیده شده‌اند که در میانه آسمان در پروازند، به جهان پیام هشدار را اعلام می‌کنند و بر مردمی که در واپسین روزهای تاریخ این زمین زندگی می‌کنند تأثیر مستقیم دارند. هیچ‌کس صدای این فرشتگان را نمی‌شنود، زیرا آنان نمادی قوم خدا هستند که در هماهنگی با جهان آسمان کار می‌کنند. مردان و زنانی که به وسیله روح خدا روشن شده و به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند، این سه پیام را به ترتیب خود اعلام می‌کنند. پیام‌های برگزیده، جلد دوم، صفحه ۳۸۷.

بیرق افراشته همان فرشته سوم است که در میان آسمان پرواز می‌کند و بشر را از پذیرفتن علامت وحش برحذر می‌دارد. این سپاه نیرومند همچنان آن پیام را به جهان اعلام می‌کند تا زمانی که میکائیل برخیزد و دوران مهلت انسان به پایان برسد.

ما این اندیشه‌ها را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

و در نیمه‌شب فریادی برآمد: اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون آیید. متی ۲۵:۶.